

نگاه
 تاملی در مساله ترجمه
تولید یا تقلید فکری

کاوه رهنما

ترجمه صورت عام و غالب کار فکری در ایران معاصر است. عمده آثاری که در زمینه علوم انسانی اعم از فلسفه و علوم اجتماعی یا اندیشه سیاسی نوشته می‌شود، یا ترجمه است، یا اقتباس و تالیفی از چند اثر غیرفارسی است. حتی اگر این نکته به صراحت در مقدمه یا موخره کتاب و مقاله ذکر نشود. در این میان کم نیستند کسانی که مدعی می‌شوند کار ایده یا اندیشه اصیل تولید می‌کنند، اما واقعیت آن است که وقتی آثارشان را زیر و رو می‌کنیم، یا می‌بینیم حرف جدیدی که پیش‌تر گفته شده در آنها نیست، یا از ارایه منبع و مآخذ اندیشه‌های‌شان طفره رفته‌اند و به هر ترفتندی کوشیده‌اند که منابع خود را پنهان کنند.

تقریباً چندین قرن است که در ایران فکر اساسی در حوزه‌های مذکور یعنی فلسفه یا علوم اجتماعی یا اندیشه سیاسی تولید نمی‌شود و آنچه هست، یا تکرار مکررات گذشتگان است، یا سختانی بی‌مایه و بی‌پایه و اساس است یا ترجمه. به همین دلیل است که برخی از اهل اندیشه‌سال‌هاست که معتقدند در این شرایط فروپسنگی و عسرت، باید به «بادهای غربی» آغوش گشود و رو به سوی ترجمه آورد، چرا که اگر در جهان جدید که تحت سیطره فرهنگ و اندیشه متجدد است، تولیدی اگر هست، در غرب فکری و فرهنگی عالم به وقوع می‌پیوندد و مردمان سرزمین‌های دیگر خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا ناآگاهانه از آن متأثر هستند. پس بهتر است برای اینکه این تأثیرپذیری از روی علم و آگاهی باشد، ارادی و خواستگارانۀ صورت‌پذیرد، وگرنه به دلیل سیطره اندیشه و فرهنگ جدید غربی، این اثرگذاری به صورت ناخودآگاه و غیرارادی رخ می‌دهد. مدعیان این‌ اندیشه رویکرد خود را «ترجمه – تفکر» می‌نامند و معتقدند علی‌الحساب تنها کاری که باید کرد، ترجمه است و ترجمه و ترجمه.

برخی از مخالفان این دیدگاه، آن را منفعل، خودباخته و مقلد می‌خوانند و می‌گویند، ترجمه صرف و صرف ترجمه، ما را صرفاً مصرف‌کننده ادیده‌ها و اندیشه‌هایی می‌کند که توسط دیگری، برای جایی دیگر و در بستر تاریخی دیگر پدید آمده‌اند و نه تنها به کار مشکلات ما نمی‌آیند، بلکه با به وجود آوردن مسائلی جدید، بر مصائب ما می‌افزایند. این گروه برعکس از خودباوری و اعتقاد به نفس‌سختن می‌گویند و معتقدند که ما نباید آنچه خود داریم را از بیگانه تمنا کنیم. با خودآیینی و اطمینان به خویشتن خویش، نباید مرعوب فرهنگ جدید و همبته و دبیده و یکبیه آن شویم، بلکه باید بکوشیم با رجوع به میراث کهن اندیشه‌های نورا استخراج کنیم.

منتقدان این‌ نظر اما معتقدند اگر چنین توانایی و استعدادی در این میراث سنتی بود، پس چرا ما به وضعیت کنونی رسیده‌ایم؟ مگر نه این است که سنت ما که روم‌ها و گیسمت‌هایی که در طول قرون تجربه کرده به اینجا و اکنون رسیده است؟ این گروه بر این نظرند که سنت ما به دلایل درونی و بیرونی، دچار زوال و انحطاطی شده که نتیجه‌اش انسداد تفکر و فروپسنگی فکری است. از دید این دسته راه برون‌رفت از این بن‌بست، رجوع به اندیشه‌ها و روش‌های جدید و بهره گرفتن از آنها به مدد ترجمه دقیق و درست است.

البته این‌ گروه بر این نکته بافشاری می‌کنند که ترجمه آثار غربی و آشنایی و بلکه شناخت اندیشه‌های جدید غربی به معنای تقلید کور کورانه آنها نیست، بلکه بیش و پیش از هر چیز، ما را به سخن‌مداغان این دیدگاه تأکید می‌کنند که مخالف رجوع به سنت یا مطالعه‌ی متافقه در آن نیستند، بلکه از قضا باور دارند که اگر برون‌رفتی از انسداد مذکور متصور باشد، از دل سنت و بر مینا و پایه آن ممکن است. اما این راه برون‌شو را به یاری خود سنتی که تا به کنون امتداد داشته، نمی‌توان تصویر کرد و به همین خاطر گریز و گزیری جز ترجمه آثار جدیدی که به ما ابزار و آلات مواجهه با این سنت را بدهند، نیست.

با نگاهی به تاریخ فرهنگ و تمدن ایران اسلامی در دوره هجری و شکوفایی‌اش یعنی قرون سوم و چهارم هجری نیز موبد این دیدگاه است. در این دوره شاهد بودیم که در پی ثبات و پایداری پدید آمده در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نخست اصحاب اندیشه رو به سوی ترجمه آثار غربی و اساسی فرهنگ یونانی پرداختند و در ادامه آن متفکرانی اصیل و مولد چون فارابی و ابن‌سینا پا به عرصه گذاشتند. مشکل در زمانه اما آنجاست که هنوز ترجمه‌هایی که از آثار اساسی و بنیادین فرهنگ و اندیشه جدید ارایه می‌شود، به ندرت به آن مایه از قوام و انسجام و دقت و صحت و اصالت دست یافته‌اند که ترجمه‌های مترجمان مسلمان در قرون آغازین بود.

البته در این تکرش انتقادی نیز نباید اغراق کرد و باید اذعان کرد که برخی ترجمه‌های علوم

که از آثار اساسی و کلاسیک فلسفه و علوم اجتماعی جدید غربی صورت گرفته، قابل توجه و مورد اطمینان و وثوق است. ضمن آنکه

به تدریج کیفیت ترجمه‌ها رو به بهبود است

و برخلاف نظر کسانی که مدام بر طبل ناامیدی

و انحطاط و زوال می‌گویند، می‌توان امیدوار بود

که آثاری که در سال‌های آتی ترجمه‌های بهتر و

دقیق‌تری با زبان فارسی محکم و شیوا بخوانیم.

امری که خود بستر لازم برای تولید اندیشه‌های

اصیل و برآمده از این بستر فکری و فرهنگی را

میسر می‌کند.

سیاست‌نامه

نهیضت ترجمه

آسیب‌های ترجمه در فلسفه و علوم عقلی

ترجمه؛ فن یا هنر؟

چون گذار دخت‌اول بر زمین معمار کج

زهراسلیمانی اقدم

ترجمه فقط مواجهه زبان‌ها نیست، در حوزه علوم انسانی این مواجهه بنا به گفته مراد فرهادپور نوعی اخذ کردن است. اخذ کردن تجربه، علم و دانشی که در سنت‌های ما نبوده و ما برای شروع آن مجبوریم از تجربه دیگری استفاده کنیم و درواقع اینجااست که ترجمه نقش بازی می‌کند. بخش وسیعی از تفکر در سنت‌های فکری ما یا حضور نداشته یا تجربه نشده‌اند از این رو ترجمه می‌تواند آن تجربه‌ها را اخذ کرده و به فرآیند اندیشه‌ورزی ما بیاورد. اما ترجمه در حوزه علوم انسانی به خصوص فلسفه همیشه با اشتباه‌هایی همراه بوده است که گاه این اخذ کردن و مواجهه را با آسیب‌هایی همراه می‌کند.

ترجمه فن است، کار هر کسی نیست

اول از همه نباید از یاد ببریم که ترجمه یک فن و حتی در سطوحی یک هنر است. این جمله به ما می‌فهماند که هر کسی از عهده ترجمه کردن بر نمی‌آید. پروز ضیاعشهایی، استاد فلسفه که ترجمه‌های متعددی هم از فیلسوفان مطرح دارد «نس و الفت با فیلسوف» را یکی از راه‌های ارایه ترجمه‌ای مناسب و با کیفیت در حوزه فلسفه می‌داند.

شهایی معتقد است که ترجمه بیشتر نیازمند ذوق و استعداد است که هر کسی حتی با داشتن دانش در حوزه مربوطه و تسلط به زبان‌های مختلف توانایی ترجمه را ندارد. هستند افرادی که توانایی قلم زدن در زبان مبدا و مقصد را دارند اما این توانایی از او یک مترجم نمی‌سازد. چنانچه سیدحسین نصر که نمی‌توان در توانایی او به تسلط بر زبان فارسی و انگلیسی شک کرد، هیچگاه دست به ترجمه آثارش نزده است و این کار توسط مترجم‌ها صورت می‌گیرد، آن هم مترجم‌های بزرگ و خوشنامی چون مرحوم احمد آرام.

ضیاعشهایی با اشاره به اینکه اندیشمندی چون درویش شاپگان با اینکه توانایی و تسلط خوبی در نوشتن به زبان فرانسوی و فارسی دارد توضیح می‌دهد «اگر او ترجمه آثارش را دست افراد دیگری می‌سپرد نتیجه بهتری می‌گرفت چون ترجمه کردن استعداد دیگری را می‌طلبد.»

اگر قرار است بنابر گفته چامسکی ترجمه انتقال‌دهنده ژرفای اندیشه باشد این انتقال قطعاً نیازمند استعداد است. رضا رضایی، مترجم آثار فلسفی در توضیح اهمیت این موضوع می‌گوید «بسیاری از افراد متون را به زبان اصلی می‌خوانند و به خوبی می‌فهمند. بسیاری از افراد هم هستند که وقتی چیزی به فارسی می‌نویسند خوب می‌نویسند، اما تا اینجا ما هنوز مترجم نیستیم، ما زمانی مترجم هستیم که بتوانیم بین این دو ارتباط برقرار کنیم. یعنی آنچه را که خوب می‌فهمم بتوانم به بهترین صورتی که می‌توان نوشت انتقال دهم که این قضیه کم اتفاق میفتد. ما متأسفانه در بازار کتاب از هر ۱۰۰ کتاب ترجمه شده ۹۸ تایی آن اینگونه که من می‌گویم نیست و این اتفاق در آن نمی‌افتد.»

ترجمه بدون درک آندیشه نارساست

در ترجمه برخی متون برای انتقال صحیح

خبر

Info@etemadnewspaper.ir

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۷، ۱۷ رمضان ۲۰۱۴۳۹، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۸، سال پانزدهم، شماره ۴۱۰۳



که خواننده با آن بیگانه نباشد. او معتقد است اگر مترجم نیاز به واژه‌سازی داشته باشد نه تنها باید واژه را چنان بسازد که مخاطب حس نکند با واژه‌ای جدید و عجیب روبه‌رو است بلکه احساس آشنایی با مقصد شده باشد بیشتر مورد توجه هستند. افسانه نجاتی، مترجم آثار فلسفی این تسلط را به بلدی راه توسط مترجم نسبت می‌دهد که فهم مترجم از متن را طلب می‌کند «وقتی توجه به این امر داشته باشیم که هر ترجمه ابتدا یک ترجمه فرهنگی است و سپس یک ترجمه زبانی، آنگاه اهمیت فهم را تا احساس بیگانگی و غریبگی به خواننده دست ندهد. اگر این احساس به خواننده دست بدهد من از هدف اصلی ترجمه که انتقال مفهوم متن به خواننده است، دور می‌افتم.»

برخی دیگر از مترجمان معتقدند که واژه‌شناسی و غنای معلومات ادبی مترجم می‌تواند تعداد لغات و واژه‌های عجیب و غریب را در ترجمه‌های فلسفی کمتر کند. افسانه نجاتی راهکار را در توان ادبی مترجم و واژه‌شناسی و واژه‌سازی طبق نیازهای اندیشه می‌داند. ضیاء شهایی هم مساله را بر سر ناآشنایی با زبان مصادری می‌داند از نظر او ایراد

■ **اگر قرار است بنابر گفته چامسکی ترجمه انتقال‌دهنده ژرفای اندیشه باشد این انتقال قطعاً نیازمنداستعداد است.**

■ **ترجمه یک هنر است که به‌شدت نیازمند مهارت‌های زبانی چه در زبان مقصد و چه در زبان مبدا است.**

■ **در ایران گاهی سنت‌های ترجمه تحت تأثیر خوانش‌های خاصی قرار می‌گیرد که متناثر از زمان‌های خاص هستند. مثلاً سنت ترجمه آثار فیلسوفان چپ یا در حال حاضر ترجمه آثار فیلسوفان و اندیشمندان لیبرال. این آثار اغلب با توجه به فضا و شرایط اجتماعی و سیاسی روز تحت تأثیر تفکری خاص و حتی حب و بغض انتخاب و ترجمه شده و می‌شوند. این نوع مواجهه با متفکران و فیلسوفان شاید طبیعت زمانه باشد اما به‌شدت آسیب رسان است و درک واقعی از اندیشه و فلسفه یک متفکر را در آن کشور و واقعیت دور و به تخیل اندیشی می‌کشاند.**

■ **اگر قرار باشد ما دانشی را با گرفتن آن از فرهنگی دیگر آغاز کنیم آن هم به‌واسطه ترجمه، در آن صورت آسیب‌های ترجمه‌بسان خشت‌هایی ابتدایی خواهد بود که دیوار نهاده‌شده را تا ثریا کج پیش خواهد برد.**

نجاتی «ترجمه متن فلسفی اگر کمتر از تالیف نباشد کمتر از آن نیست چرا که کار مترجم نوعی بازآفرینی مفهوم زبان مبدا در زبان مقصد است.»

توان ادبی و واژه‌سازی

ترجمه یک هنر است که به‌شدت نیازمند مهارت‌های زبانی چه در زبان مقصد و چه در زبان مبدا است. در متون فلسفی یکی از نکات مهم معادل‌یابی یا واژه‌یابی است. برخی آثار ترجمه شده فلسفی به قدری لغات و اصطلاحات ملق، عجیب و ناشنیده دارد که متن همچنان نیازمند ترجمه و شرح و تفسیر می‌ماند.

یافتن واژه‌های عجیب و سنگین و جای‌گذاری آنها به جای واژه‌ها و لغات سخت، نوعی سبک در ترجمه آثار فلسفی شده است که طرفداران خودش را دارد. آنها با این توجیه که باید به فیلسوف و فلسفه‌اش وفادار ماند همچنان این مسیر را گرفته و پیش می‌روند. اما هستند کسانی همچون رضا رضایی که مخالف این سبک هستند چون از نظر او وظیفه

مترجم این است که با زبانی که همه می‌فهمند اثر را ترجمه کند. مترجم باید واژه‌ای را به کار ببرد

خوانش‌های خاصی قرار می‌گیرد که متناثر از زمان‌های خاص هستند. مثلاً سنت ترجمه آثار فیلسوفان چپ یا در حال حاضر ترجمه آثار فیلسوفان و اندیشمندان لیبرال. این آثار اغلب با توجه به فضا و شرایط اجتماعی و سیاسی روز تحت تأثیر تفکری خاص و حتی حب و بغض انتخاب و ترجمه شده و می‌شوند. این نوع مواجهه با متفکران و فیلسوفان شاید طبیعت زمانه باشد اما به‌شدت آسیب‌رسان است و درک واقعی از اندیشه و فلسفه یک متفکر را در آن کشور و واقعیت دور و به تخیل اندیشی می‌کشاند. این بلا در ایران بر سر فیلسوفان بسیاری آمده است که از آن جمله می‌توان به مارکس، هایدگر، نیچه و آدام اسمیت اشاره کرد. این نوع مواجهه با فیلسوف به نوعی مصادره افکار او به نفق فرس، سیاست یا تفکر خاصی است که چون توان احراز حقانیت خود را ندارد دست به دامن و اوزان اندیشه‌های بزرگ‌تر می‌شود.

ترجمه از زبان اصلی

زبان فلسفه قطعاً نمی‌تواند زبان انگلیسی باشد، چون کثرت فیلسوفان غیرانگلیسی زبان بسیار زیاد است. زبان‌هایی چون آلمانی، یونانی، فرانسوی و روسی از دیگر زبان‌هایی هستند که فیلسوفان بسیاری به واسطه آنها اندیشیده و قلم زده‌اند اما متأسفانه آنچه بالای جان فن ترجمه در ایران شده است، بازگردانی اندیشه و تفکرات فیلسوفان و اندیشمندان از برگردان‌های انگلیسی است. این روال در ترجمه که به‌شدت باب شده است به‌خصوص در بین دانشجویان، خسارتی جبران‌ناپذیر در صحت و سقم انتقال اطلاعات ایجاد می‌کند. فیلسوفان بسیاری در بین مخاطبان ایرانی به واسطه سنت‌های ترجمه‌ای بی‌کیافت و بی‌کیفیت درست فهم نشده‌اند که مشهورترین آنها هایدگر است. ضیاء شهایی در این مورد توضیح می‌دهد: «فردا بسیاری هستند که میل دارند درباره هایدگر بنویسند و تحقیق کنند اما متأسفانه زبان آلمانی نمی‌دانند و این نکته را هم مترجمه نشده‌اند

که ترجمه هایدگر از زبان انگلیسی دشواری‌های بیشتری پیش می‌آورد و مترجمان انگلیسی هم از رساندن بعضی از اصطلاحات او عاجز هستند. حتی جالب این است که از رساندن معنای بعضی مثال‌ها و اصطلاحات پیش‌یافته‌ها هم ناتوان هستند از این رو گاهی غلط‌هایی که مترجم انگلیسی مرتکب می‌شود به راحتی در ترجمه‌های فارسی هم منتقل می‌شود، که من بارها نمونه‌های بسیار اینچنینی در ترجمه‌های افراد دیده‌ام. البته فهم و خواندن فلسفه هایدگر به قدری دشوار است که مترجمان کتاب‌های اصلی هایدگر به زبان‌های مختلف انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، ژاپنی، چینی، سوئدی و ایتالیایی فقط یک کتاب مفصل درباره دشواری‌های ترجمه آثار هایدگر منتشر کرده‌اند. هر کدام از دشواری‌های موجود در زبان‌شان برای ترجمه آثار هایدگر نوشته‌اند.»

اگر قرار باشد ما دانشی را با گرفتن آن از فرهنگی دیگر آغاز کنیم آن هم به واسطه ترجمه، در آن صورت آسیب‌های ترجمه‌بسان خشت‌هایی ابتدایی خواهد بود که دیوار نهاده شده را تا ثریا کج پیش خواهد برد.

سنت ترجمه و مصادره به مطلوب

در ایران گاهی سنت‌های ترجمه تحت‌تأثیر

کارت دیجیتال کتابخانه پدیده جدید صنعت کتاب

کتابخانه‌ها امریکا در چهار ماه ابتدایی سال جدید بیش از ۳۰ هزار کارت دیجیتال ثبت نام کردند. این

کارت‌ها برای قرض گرفتن کتاب‌های صوتی و الکترونیک کاربرد دارند.

الکترونیک‌های آمریکا در چهار ماه ابتدایی سال ۲۰۱۸ میلادی بیش از ۳۰ هزار کارت دیجیتال ثبت نام کردند. این کارت‌ها به خاطر محبوبیت اپلیکیشن

لیبی (Libby) بوده‌است.

اپلیکیشن لیبی نرم‌افزاری در تلفن‌های همراه اندروید و آبل است که کاربران می‌توانند از طریق آن به منابع و کتاب‌های الکترونیک و صوتی موجود در

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۷، ۱۷ رمضان ۲۰۱۴۳۹، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۸، سال پانزدهم، شماره ۴۱۰۳

کتابخانه

مورد خاص امریکا

«گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی امریکا» کتابی است که به‌این می‌پردازد چگونه امریکابر خلاف منافع ملی خودبه حفظ منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی رژیم صهیونیستی کوشاو مصر است. پرفسور جان جی. می‌ر شایمر و پروفسور استیون ام. والت نویسنندگان این کتاب، روشن می‌کنند که این امر امکان ندارد مگر به خاطر قدرت و نفوذ گروه فشار (لابی) رژیم صهیونیستی در داخل سیستم حکومتی امریکا. این کتاب باترجمه رضا کامشاد توسط نشر نرزان روز منتشر شده که دارای یازده فصل است.از جمله مهم‌ترین فصل‌های این کتاب می‌توان به یک مورد زوال اخلاقی، هدایت روند سیاسی، هدف گرفتن سوریه، ایران در کانون سنجش، جنگ دوم لبنان، سبطه بر گفت‌وگوی مردم، عراق و روایی دگرگون کردن خاورمیانه و... اشاره کرد.

 گروه فشار اسرائیل	
 • گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی امریکا • جان جی. می‌ر شایمر و استیون ام. والت • ترجمه: رضا کامشاد • نشر: نرزان روز • تعداد صفحه: ۵۷۸ • قیمت: ۲۵ هزار تومان	
ادامه از صفحه اول	

کینه دشمنان از اصلاحات

رفتار امروز یزسیون برانند با اصلاح‌طلبان از همین تصور نشات می‌گیرد. جریان اصلاحات به اصولی اعتقاد دارد. با وجود تبلیغات ناجوانمردانه‌ای که حتی خودی‌ها انجام‌دادند تا اصلاح‌طلبان را خارج از نظام نشان بدهند، اصلاح‌طلبان به هیچ‌وجه شالوده‌شکن نبوده‌اند. چه در دوره اصلاحات و چه در اتفاقات ۱۸ تری سعی کردند تا اصلاح‌طلبان را مقصر بدانند؛ در حالی که معلوم بود چه کسانی این هزینه‌ها را به کشور تحمیل کرده بودند. همواره رهبران و نیروهای موثر و شناخته‌شده اصلاح‌طلب در دفاع از نظام کوشیدند و مردم را به بنیادهای اساسی نظام یعنی جمهوری و اسلامیت ترغیب کر ده‌اند.هر چند اصلاح‌طلبان فراتر خود را از اسلامیت ارایه می‌دادند. اسلامی که اصلاح‌طلبان به آن تأکید دارند، باخمیر مایه جلفه‌ما عجمین بوده و جزوالینفک جامعه ایرانی است. اسلام توانسته پاسخگوی نیازهای اخلاقی تاریخی و انسانی ایرانیان باشد.اصلاح‌طلبان همواره تأکید کرده‌اند که مردم حق آزادانه تعیین سرنوشت‌شان را دارند. دین اسلام مدافع آزادی انسان‌ها، توزیع عادلانه ثروت و حقوق برابر انسان‌ها است و با مردم سالاری ارتباط تنگاتنگی دارد. بعد از دوم‌خراد دولت‌اصلاحات در مقایسه با دولت‌های قبلی،وبعدی در توسعه کشور و ایجاد فضای آزاد در جامعه نقش بیشتری داشت. در دولت اصلاحات با اینکه شعارهای پرطمطراق ضد فساد هم داده نمی‌شد، مردم شاهد کمترین میزان اختلاس، رات و رونق اقتصادی بودند. اصلاح‌طلبان دل در گرو دفاع از کشور داشت و مخالف نوع تبعیض قومیتی و جنسیتی هستند و در عین حال در عمل هم به‌طور نسبی کارنامه موفق‌تری از دیگر مدعیان ارایه کرده‌اند.اصلاح‌طلبان امید را در جامعه تزریق داده‌اند. بعد از اتفاقات تلخ سال ۸۸ دیدیم که بار هم مردم به اصلاح‌طلبان اقبال نشان دادند. البته اقبال مردم به اصلاح‌طلبان بار سنگینی بر دوش آنها می‌گذارد. باید توجه داشت که مردم به تبیین دقیق‌تری روضعت و تحولات امروز جامعه نیاز دارند. چنین سرمایه‌ای مورد کینه دشمنان نظام است که سعی می‌کنند این امیدوار را جامعه تخریب کنند.

لزوم تقویت همدلی در مجلس

اینکه شعار پایان خط اصلاح‌طلبی و اصولگرایی با تمرکزگسترده‌گی شدید رسانه‌ای غرب مواجه می‌شود و گروه‌خائن و قصاب رجسوی تمام‌فعالیت‌های خود را روی القای این تجوای تحس می‌گذارند نشان می‌دهد که آنها دقیقاًاز همین ناحیه آسیب‌پذیرند و اهداف خود را بر باد رفته می‌دانند. حضور و تأثیر گذاری واقعی مردم در نوع اداره کشور و امید داشتن آنها به جناح‌های سیاسی داخلی درست آن چیزی است که کشور را بیمه می‌کند و دشمنان را ناکام می‌سازد. سپر دفاعی کشور در مقابل این همه فشار و مانع‌تراشی به دست آوردن رضایت پشتیبانی اکثریت ملت است. هر که ما مردم را داشته باشیم و مردم صداقت ما با پذیرند از بدترین شرایط و تنگناها به خوبی عبور می‌کنیم و هر محاصره‌ای را با قدرت می‌شکنیم.

امریکا دیواره قصد محاصره اقتصادی کشور را دارد ولی امید اصلی در ترجمه واین است که مردم تاب مشکلات اقتصادی را نداشته باشند و تاب تنش‌های داخلی، ایران به زانو برآید. در همین جا کلام مشخص می‌شود کسانی که عمدانه به درخ‌ناتی‌ها هاسم می‌زنند و بر بزرگ‌نمایی مشکلات از هیچ کوششی فرومی‌گذارند، اما با اسباب چه کسانی می‌پرزند و خواسته یا ناخواسته اهداف کدام جبهه را به عملی شدن نزدیک می‌کنند؛ باید تأکید کرد که نقطه قوت ما خدمت همه‌جانبه به مردم است. مگر در دوران دفاع مقدس نبود که با درایت و صداقت و پشتکار و خلوص دل مردم تمام آن همه سختی‌ها را کمبودها را تحمل می‌کردند و به توصیه‌های امام حکیم در پشتیبانی از دولت سنگ تمام می‌گذاشتند؟ ما با جلب حمایت مردم از طریق صداقت و مبارزه با تبعیض‌ها قطعاً خواهیم توانست خیال باطل دشمنان این مرزومهر را برهم‌زنیم و سربلند و پیروز از صحنه نبرد اقتصادی که امریکا و اسرائیل و عریستان میدان‌دار آن شده‌اند بیرون بیاوریم. نقطه قوت ایران اسلامی ادامه رهنمایی‌مو کر اتیک در کشور است. همه‌جا باید اراده و خواست اکثریت مردم جاری و ساری شود و همه مسوولان در برابر آن پذیرنده باشند. امروز مقاومت با دور زدن خواست مردم افزون بر اینکه کاری ناموآب و غیراخلاقی و غیرقانونی است، کبان کشور را هم در معرض خطر قرار می‌دهد. ما نمایندگان ملت موظفیم که در همه سطوح و زمینه‌ها پاسدار اراده و خواست ملت باشیم و باتمام توان مطالبات آنها را در همه عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را پیگیری کنیم. تأخیر در اجرای مطالبات مردم خطرناک است. همان‌طور که پاسخگویی به این مطالبات از آراش‌ساز و وحدت‌افزین است. اگر برون‌رختی از خواسته‌ها خصوصاً در زمینه‌های اقتصادی زمان‌بر است، پاسخ به در خواست‌های تنخیکان و افشار مختلف جامعه در زمینه‌های سیاسی چنین نیست و می‌توان به سهولت آنها را برآورده ساخت. رفع حصر یکی از آن مطالبات است که واقعا امانه‌ان هیچ توجیه قانونی و حتی سیاسی ندارد.